

یادداشت ناصر رحمانی نژاد درباره گروه تئاتر انگزیت و نمایش مستند اما گلدمن

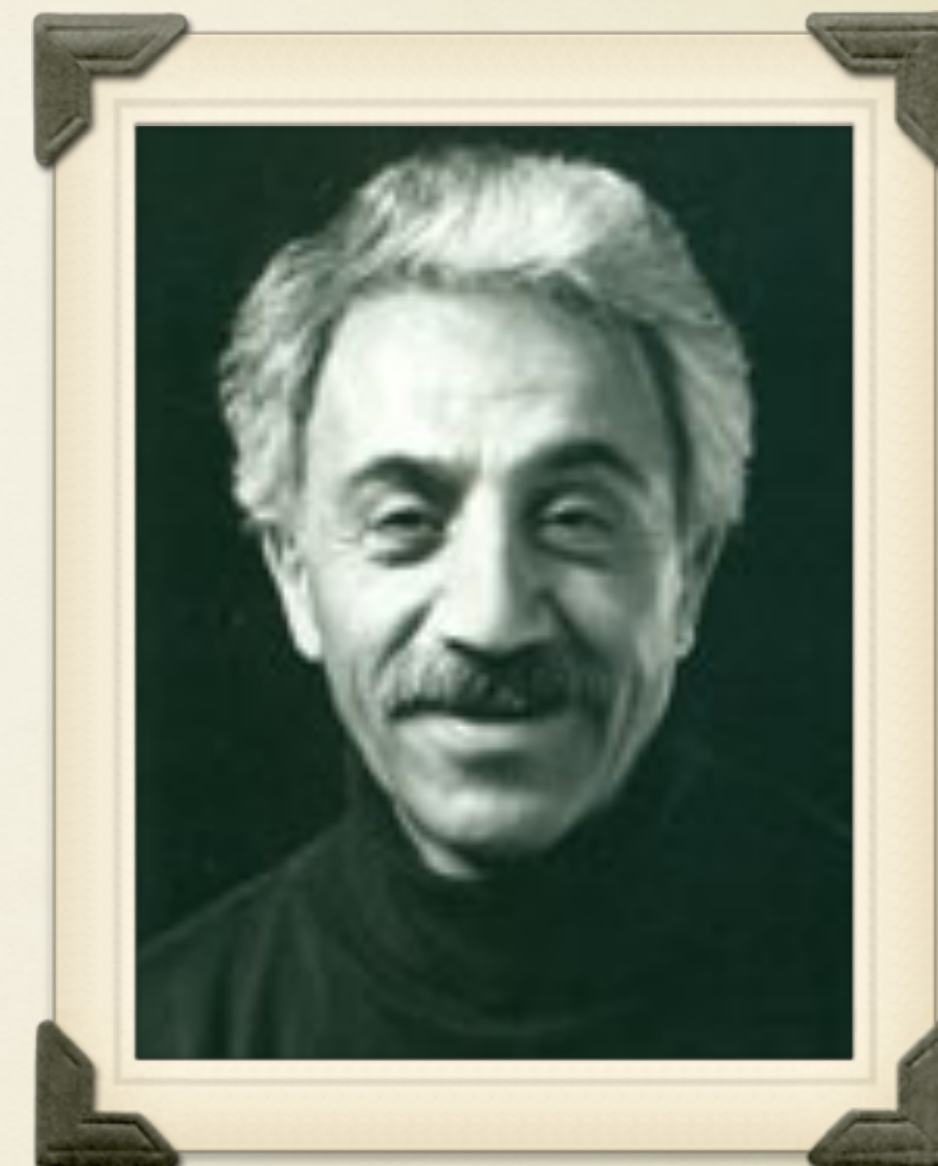
درباره ی گروه تئاتر انگزیت

جستجوهای معمول و مستمر من در اینترنت برای اطلاع از فعالیت های تئاتری در ایران، مرا با وبسایت گروه تئاتر انگزیت مواجه ساخت. در گردش اولیه در وبسایت این گروه، نوعی حس گنجگاو در من برانگیخته شد که با موارد دیگر تفاوت داشت. این تفاوت ناشی از چند چیز بود؛ تفاوت رویکرد، تفاوت زبان، و تفاوت اجراهای این گروه اولین چیزهایی بودند که بلافاصله توجه مرا جلب کردند.

من به عنوان یک هنرمند تبعیدی، مانند همه ی تبعیدیان دیگر، نسبت به فعالیت های نسل امروز ایران، نوعی گنجگاو دارم. و در مورد من، فعالیت نسل جوان در عرصه ی تئاتر به ویژه، نوعی گنجگاو سرنوشت ساز می نماید. گویی سرنوشت تئاتر امروز ایران به سرنوشت و آینده ی میهنم گره خورده است. شاید هم چنین نباشد، اما این حس، گاذب یا راستین، در من به نحوی وجود دارد؛ و همین حساسیت بود که گنجگاو مرا نسبت به گروه تئاتر انگزیت برانگیخت. همان طور که اشاره کردم عناصری در وبسایت این گروه دیده می شود که مرا گنجگاو کرد تا بدانم این گروه در عرصه ی آشفته و محافظه کار تئاتر امروز ایران، در کجا قرار دارد.

من بی آن که بخواهم درباره ی چگونگی آثار نمایشی گروه تئاتر انگزیت قضاوت کنم، می توانم بگویم آنچه مسلم است، اعتقاد روشن این گروه به نوعی تئاتر اجتماعی و سیاسی، و استواری و پیگیری آنها در راه و روش هنری خود، تکیه گاههایی هستند که تفاوت هایشان را با دیگران به روشنی نشان می دهد. نمایش مستند اما گلدمن، یکی از این تفاوتهاست.

نگاه گنجگاو من همچنان آنها را دنبال می کند، و برایشان آرزوی موفقیت می کنم.



ناصر رحمانی نژاد

۲۶ آذر ۱۳۹۷